

کارکرد اسوه‌ای رسالت و امامت و نقش آن در سبک زندگی خانوادگی در مؤلفه مدیریت منزل

عنایت‌الله شریفی*

علی پیرهادی**

صالح حسن‌زاده**

کیومرث فرح‌بخش***

چکیده

«سبک زندگی» نمود باورها و دارای ابعاد وسیعی است که امروزه بسان ابزاری نرم در تغییر هنجارها عمل می‌کند، این پژوهش در صدد تحلیل رابطه و تأثیر کارکرد الگویی امامت و رسالت در سبک زندگی در مؤلفه مدیریت خانواده است که با تبیین سبک زندگی، مدیریت خانواده و توصیف کارکرد الگویی معصومین (علیهم‌السلام) در جهان‌بینی توحیدی، تصویری از رابطه و جایگاه راهنما در سبک زندگی با روش توصیفی تحلیلی به دست می‌دهد؛ که معصومین (علیهم‌السلام) به لحاظ کارکرد الگویی اسوه‌ای؛ منبع و منشأ سبک و نقش آنان «سبک‌سازی» است، این نقش متضمن فواید تربیتی الگواز جمله؛ شاکله‌مندی، بهره‌وری زمان، پیشگیری و... است. در نهایت تصویر مدلی اسوه‌ای سبک زندگی معصومین (علیهم‌السلام) در مؤلفه مدیریت خانواده، نشان‌گر توجه به اصول مدیریت (برنامه‌ریزی، رهبری، سازماندهی، مشورت و کنترل) و اهتمام به سبک‌سازی با شاخصه «تعالی حداکثری» و «استقامت عملی» در سبک زندگی مؤمنانه است که با ترجیح پاداش اخروی به لذت دنیوی، مسئولیت‌پذیری به سهل‌انگاری، سخت‌کوشی به عافیت‌طلبی، ساده‌زیستی به تجمل و دیگرخواهی به خودخواهی و... نمود یافته است که این ترجیحات از عوامل موفقیت در مدیریت اسلامی است.

واژگان کلیدی: امامت و رسالت، سبک زندگی، مدیریت خانواده، معصومین (علیهم‌السلام)، الگو و اسوه.

* دانشیار، عضو هیئت علمی و مدیر گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (علیه‌السلام)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
enayat.sharifi@yahoo.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
pirhadi23@gmail.com

*** دانشیار، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
hasanzadeh@atu.ac.ir

**** دانشیار، عضو هیئت علمی گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
kiiumars@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲

مقدمه

ورود واژگان و اصطلاحات برگرفته از دیگر فرهنگ‌ها بی‌تردید در فرهنگ جامعه اثرگذار است و ضروری است جهت رفع ناهنجاری و هنجارسازی متناسب با فرهنگ بومی، با محمل‌ها و بسترهای مرتبط، تطبیق داده و چگونگی اثرگذاری مثبت و منفی آن بررسی شود. این مسئله در مورد واژگانی چون سبک زندگی که از طرفی زاینده باورهاست و از طرفی بسان ابزار نرم و پر قدرت در تغییر باورها نقش کاربردی آنی و مستقیم دارد، اهمیت مضاعف دارد.

پژوهش پیش‌رو با این پیش فرض که توجه به اعتقادات اساسی و تبیین رابطه آن‌ها با سبک زندگی در مؤلفه‌های بنیادی نظیر خانواده می‌تواند به حل مشکل رهنمون شود، در پی پاسخ به این سؤال است که کارکرد الگویی رسالت و امامت (معصومین علیهم‌السلام) به‌عنوان اصول اعتقادی چه رابطه، نقش و تأثیری در سبک زندگی و در مؤلفه مدیریت خانواده به‌عنوان اولین و مؤثرترین بستر رشد و تعالی دارد؟ پاسخ به مسائل فوق می‌تواند فرضیه تأثیر عینی و کاربردی نقش الگو با ویژگی عصمت در سبک زندگی را اثبات کند و در تنقیح، ترسیم و تثبیت بخشی از سبک زندگی خانواده اسلامی تحت عنوان مدیریت خانواده که موضوع این نوشتار است، راهگشا باشد.

پیشینه تحقیق در این زمینه، کتاب دین و سبک زندگی از سعید مهدوی کنی که به شکلی کلی به نقش دین در سبک زندگی پرداخته است،^۱ امیرحسین کامرانی‌راد در مقاله «نقش الگوهای رفتاری در سبک زندگی اسلامی»^۲ و علی‌رضا ناصری در مقاله «نقش الگو در تربیت دینی»^۳، به‌واکاوی نقش الگو که ناظر به بخشی از مسئله است پرداخته، مقاله «مختصات سبک زندگی خانواده اسلامی با محوریت سنن النبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» از عزت‌السادات میرخانی و فریبا ولدبیگی،^۴ «الگوی مدیریت در خانواده در سیره رضوی علیه‌السلام» از اعظم خطیبی^۵ و «زندگی و سیره حضرت زهرا علیها‌السلام به‌عنوان الگوی سبک زندگی دینی» از بهاء‌الدین قهرمانی‌نژاد شایق^۶ که محدود به یک معصوم‌اند و در پاسخ به مسئله این پژوهش، تحقیق علمی مستقلی مشاهده نمی‌شود که به جهت مبنایی بودن بحث، ضرورت آن قابل توجه است و می‌تواند به‌عنوان تحقیق راهبردی و پایه، در پیشبرد علمی و عملی سبک زندگی اسلامی به‌کار آید و با توجه به ترویج هدفمند سبک زندگی غربی، اهمیت این مسئله دو چندان است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به کشف داده‌ها می‌پردازد.

۱. ۱۳۹۳، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۲. پایگاه جامع سبک زندگی سالم (rahebartar.ir)، سید امیرحسین کامرانی‌راد.

۳. فصل‌نامه تخصصی پگاه اندیشه، شماره ۶ و ۷، مجتمع آموزش عالی امام خمینی ره، سال چهارم، شماره ششم و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

۴. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۴ ش.

۵. مجله علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۵۹، ص ۱۳۳-۱۶۲.

۶. فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره پانزدهم، سال چهارم، تابستان ۹۴، ص ۲۱۹-۲۴۱.

(۱) مفهوم‌شناسی

(الف) رسالت و امامت

نبوت و رسالت به معنای مقام ابلاغ وحی، در مرتبه اقل، اجرای فرامین الهی و در مراتب بالاتر، تبلیغ و نشر احکام خداوند، تربیت نفوس از طریق تعلیم است و رسول موظف به دعوت مردم به سوی خدا، ابلاغ فرامین الهی و تلاش برای رشد فکری فرهنگی است. (رک: مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ۱، ۴۴۰)

امامت از جمله مباحث کلیدی اسلام است که از صدر اسلام تا کنون موافقان و مخالفان بسیاری داشته است؛ امامیه بر خلاف اهل سنت که با نگاه عادی و دنیوی، امامت را در حد یکی از شئون دنیوی، مردمی و مسئله‌ای حکومتی می‌بینند، (رک: اسکافی ۱۳۷۴، ۴۳؛ ماوردی ۱۴۲۲، ۵ و...) با نگاهی فراتر از شئون دنیوی، آن را امری الهی، آسمانی و تالی تلو نبوت، می‌دانند. (رک: بحرانی ۱۴۰۶، ۷۴ و ۱۳۸۴، ۴۱؛ مفید ۱۴۱۴، ۱۰، ۳۹)

در اندیشه امامیه امامت؛ به معنای مقام راهبری و پیشوایی است که تحقق آن با تشکیل حکومتی الهی است و در صورت عدم امکان تحقق حکومت، امام موظف به هدایت در اجرای عملی احکام خداوند و حفظ شریعت است که به اقتضای وسع در تبیین حقیقت و تعالی انسان‌ها کوشش می‌نماید. (رک: مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ۱، ۴۴۰)

نقطه اشتراک هر سه اصطلاح، وجود ویژگی عصمت و گزینش از ناحیه خداوند است که مؤثر در بحث بوده و مصادیق آن شامل همه برگزیدگان خاص اعم از «انبیاء»، «امامان» و «اهل بیت» تحت عنوان عام «معصومین (علیهم‌السلام)»، موضوع مد نظر در این نوشتار است.

(ب) سبک زندگی

سبک زندگی (life style) اصطلاحی با خاستگاه غربی است که پیشینه طرح آن به بیش از یک قرن برمی‌گردد. وبلن^۱ (۱۹۲۹) اولین اندیشمندی است که به این مسئله پرداخت، سپس آدلر^۲ (۱۹۳۷) این واژه را به عنوان اصطلاحی در روان‌شناسی فردی به کار برد، و بر^۳ (۱۹۲۰) این اصطلاح را به طور مفصل در جامعه‌شناسی به کار گرفت. اندیشمندان دیگر نیز مانند زیمل^۴، بوردیو^۵ و... آن را در فلسفه خود لحاظ نموده‌اند. «سبک زندگی» در فرهنگ آکسفورد با عبارت (life style) در توصیف ویژگی زندگی آدمیان، به معنای روشی است که فرد یا گروهی بر اساس آن، کار و زندگی می‌کنند و مرتبط با نوع لباس، فرصت‌ها، عادات و... است. (Wehmeier 1987, 743)

1. Thorstein Veblen
2. Alfred Adler
3. Max Weber
4. Georg Simmel
5. Pierre Bourdieu

«سبک زندگی»، بر اساس نوع نگرش خاص محققان به شکل‌های مختلفی تعریف شده است که مجال بحث مفصل آن نیست؛ اما جهت وضوح مفهوم آن، گریزی از تبیین مختصر دیدگاه محققان صاحب‌نظر داخلی و خارجی نیست.

یک) دیدگاه اندیشمندان غربی

وبلن از سویی سبک زندگی را همان الگوی رفتارهای جمعی از جنس رسوم، عادات اجتماعی و روش‌های فکری می‌داند و از سوی دیگر آن را تجلی رفتار سازگار روحی، عادات فکری و معرفت قلمداد می‌کند. (مهدوی کنی ۱۳۹۳، ۵۲)

در نگاه آدلر، سبک زندگی به معنای کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند، این سبک زندگی نه معادل رفتار؛ بلکه راهنمای رفتار است، (همان ۱۳۹۳، ۵۳) سبک زندگی به‌عنوان شیوه نسبتاً ثابتی است که فرد، اهداف خود را به‌وسیله آن دنبال می‌کند. (کاویانی ۱۳۹۱، ۱۶)

در اندیشه ماکس وبر، سبک زندگی، رسوم و ارزش‌های مشترکی است که به گروه احساس هویت جمعی می‌بخشد، در این اندیشه، سبک زندگی، از جنس رفتار است که تمایلات آن را هدایت و فرصت‌های زندگی، بستر بروز آن را فراهم می‌سازد. (مهدوی کنی ۱۳۹۳، ۵۲ و ۵۳)

در نظر لیزر (۱۹۶۳م) نیز سبک زندگی بر اساس الگوی خرید کالا است که از سویی نشان‌دهنده شیوه مصرف‌کننده در خرید و مصرف و از سوی دیگر این شیوه‌ها، بازتابی از سبک زندگی فرد در جامعه است. (خوشنویس ۱۳۸۹، ۱۰)

از منظر زیمل، سبک زندگی، مجموع صورت‌های رفتاری است که فرد یا گروه، بر اساس انگیزه‌های درونی خود و در راستای تلاش در ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و محیط زیست خود برگزیده است؛ به عبارتی دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود؛ یعنی فردیت برتر، صورت و شکل‌های رفتاری را برمی‌گزیند که توان چنین‌گزینشی، «سلیقه» و این «اشکال» به هم مرتبط همان، «سبک زندگی» است. (مهدوی کنی ۱۳۹۳، ۵۲)

دو) دیدگاه محققین داخلی

مهدوی کنی سبک زندگی را الگوی هم‌گرا، (کلیت تام) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند و بر همین اساس، سبک زندگی را به اختصار به الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح

تعریف کرده است. (مهدوی کنی ۱۳۸۶، ۷۸)

کاویانی سبک زندگی را مشی کلی فرد در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات معنا می‌کند. (کاویانی ۱۳۹۱، ۳۲)

در نگاه شریفی، در پیوند هویت با سبک زندگی، سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاصی از زندگی است که اختصاص به فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص دارد، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌کند و بیانگر هویت و معرف شخصیت فرد است. (رک: شریفی ۱۳۹۱، ۸۸)

از نظر محمدتقی فعالی، سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری تحت تأثیر باورها و ارزش‌هاست که متناسب با خواسته‌ها و اقتضائات محیط شکل می‌گیرند و دوام و پایداری از ویژگی‌های آن است. (رک: فعالی ۱۳۹۳، ۶۲-۶۴)

اگر چه رسیدن به یک معنای واحد، مطابق همه نگرش‌ها دشوار است؛ اما از تحلیل مجموع آنچه آمد نکاتی استنباط می‌شود که تعیین‌کننده دامنه مفهوم سبک زندگی و مقوم تعریفی متناسب با هنجارها است:

قدر مشترک معنای به‌دست آمده از این معانی و تعاریف، نزدیک به معنای لغوی آن است که عبارت است از: «شیوه و روش خاص در زندگی».

سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است.

عامل اساسی ترجیح و انتخاب باورها یا تمایلات است.

اقتضائات زمانی و محیط در سبک زندگی اثرگذارند.

اغلب تعاریف در حقیقت در مقام بیان چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی یا کارکرد و آثار آن هستند.

برخی تعاریف ناظر به مؤلفه‌های سبک زندگی و به عبارتی جزئی‌نگرند.

بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی: *تال جامع علوم انسانی*

«گزینش الگوهای رفتاری با قابلیت استمرار و متأثر از اعتقادات و باورها یا احساسات و امیال است که متناسب با مقتضیات زمان و محیط، به طور آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه در تمامی ابعاد زندگی تحقق می‌یابد.»

ج) مدیریت خانواده

یک) خانواده

خانواده، اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که به‌طور طبیعی تحت عنوان «خانواده

هسته‌ای» حداقل از زن و مرد و سپس فرزندان تشکیل می‌شود؛ البته گاه با عواملی مثل مرگ و طلاق، دست‌خوش تغییر می‌گردد. نوع دیگر آن با عنوان «خانواده گسترده» بستگان درجه بعد مثل عمو، عمه، دایی، خاله و... را نیز شامل می‌شود. خانواده هسته‌ای، قدر متیقن معنای خانواده است؛ ولی از قرآن و روایات، اهتمام به خانواده گسترده استفاده می‌شود.^۱

فعلیت خانواده به پیوندی با عنوان ازدواج میان دو جنس مخالف است که در تمامی اقوام و ملل، در اشکال و آداب گوناگون تحقق می‌یابد. در جهان‌بینی توحیدی، این پیوند با عنوان نکاح با ویژگی تقدس، محبوب‌ترین و ارزشمندترین بنیان نزد خداوند معرفی شده است. (رک: کلینی ۱۴۰۷، ۵، ۳۲۹)

دو) مدیریت

«مدیر» در لغت، مصدر جعلی به معنای اداره کردن (دهخدا ۱۳۷۲، ۲۰۵۶۹) و مصدر آن، «دوران» به معنای گردیدن و مدیر به معنای گرداننده است (شرتونی ۱۴۰۳، ۳۵۸) که بر مبنای همین تعریف لغوی تعاریف بسیاری در مورد مدیریت ارائه شده است؛ گاه آن را هنر اداره مجموعه امکانات و استعدادها، مادی و معنوی سازمان بر اساس آگاهی‌های لازم به منظور رسیدن به هدف معرفی کرده‌اند. (رک: تقوی دامغانی ۱۳۶۸، ۱۸) و گاه آن را از مقوله علم دانسته و مدیریت را فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و هدایت، انگیزش و نظارت در به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی ذیل اهداف نظام ارزشی تعریف می‌کنند (رک: حاجی‌ده‌آبادی ۱۳۹۰، ۱۷) که در اسلام این علم یا هنر به منظور حرکت به سوی حق و ارزش‌های متعالی انسانی است که ارتباط تنگاتنگ آن با واژه تدبیر به معنای نگرستن و اندیشیدن در پایان و عواقب کار مشهود است. (عمید ۱۳۶۴، ۱، ۵۵۳) به همین جهت، مقوله مدیریت منزل، تحت عنوان تدبیر منزل آمده است؛ چراکه لازمه مدیر شدن تدبیر و نگاه به آینده است و توصیه مدیریتی امام علی علیه السلام که فرمودند: «ادْكُرْ فِي الْيَوْمِ عَدَاً» (شریف رضی ۱۴۱۴، ۳۷۷) ناظر به این است که مدیر همواره باید خود را متصل به آینده ببیند. بنابراین مدیریت خانواده به معنای برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت اعضای خانواده و بهره‌برداری هدف‌مند از امکانات در راستای اهداف، قوانین و ارزش‌های اسلام است.

در مدیریت خانواده، آنچه در سبک زندگی اسلامی مورد عنایت است، توجه به تکوین زن و مرد در تدبیر منزل در راستای نظام احسن، که بر اساس آن، هریک به نوبه خود سهمی از مدیریت را به‌عنوان امانت و مسئولیت، بر دوش می‌کشند که مرد با نقش سرپرستی

۱. کاربرد قرآنی خانواده با واژگانی نظیر «آل» و «اهل» که در قرآن (نساء ۵۴) و (احزاب ۳۳) و مصادیق آن که فراتر از همسر، فرزند و شامل پدر، مادر و... است؛ همچنان که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان‌های نظیر مباحثه و در سیره نبوی فراتر از فرزندان و همسران، شامل نوه‌ها، داماد و... است. همچنین تأکید قرآن بر حقوق والدین، صله ارحام و... بر نگاه قرآن به خانواده گسترده دلالت دارد.

خانواده، عهده‌دار مسؤولیت بیشتر و زن به جهت مصلحت و تدبیر خالق هستی و بر اساس آیه سی و چهارم سوره نساء تحت اشراف مرد، موظف به اجرای برنامه‌ها و وظایفی است که مرد متکفل آن است و در بیان کلی مرد سرپرست خانه و زن مدیر اجرایی و درونی خانواده است؛ همچنان‌که رسول گرامی خدا ﷺ می‌فرماید:

هریک از فرزندان آدم فرمان‌روایی است؛ مرد فرمان‌روای کسان خویش و زن فرمان‌روای

خانه خویش است.^۱ (پاینده ۱۳۸۲، ۶۱۵)

بنابراین در خانواده، به جهت کنار هم قرار گرفتن حداقل دو فرد با ویژگی‌ها، تمایلات، استعدادها و فرهنگ‌های متفاوت که خود نیازها حقوق و خواسته‌های متنوعی را در پی دارد، هماهنگی و تعامل بدون اصطکاک و اختلاف، ضرورت تدبیر و مدیریت عادلانه و منصفانه‌ای را می‌طلبد که هر نحله و مکتبی، ناگزیر از پرداختن به آن است. اسلام به‌عنوان دین جامع به این مقوله با دو رویکرد حقوقی و اخلاقی امعان نظر داشته است که مایه تحکیم خانواده و صمیمیت اعضای خانواده می‌شود. در راستای مدیریت خانواده و تدبیر منزل، بخشی از مسئله با تفکیک حقوق و تکالیف اعضای خانواده متناسب با استعدادها و شرایط افراد خانواده تشریح شده است که تنها تعیین چهارچوب کلی تعامل زوجین است؛ اما تحقق عینی مسئله تنها با رویکرد اخلاقی و مدیریت شایسته خانواده و نیازمند الگوست که تصویر آن در نقش اسوه‌ای امامت و رسالت قابل رؤیت است.

د) الگو و اسوه

الگو (pattern) در لغت به معنای مدل، معیار، سرمشق، نمونه، مُقتَدی، اُسوه، قُدوه و مثال (دهخدا ۱۳۷۲، ۳، ۳۲۴۸) و در عربی با تعبیر اُسوه و قُدوه، به‌معنای حالت انسان به هنگام پیروی از غیر، چه در کارهای خوب و چه در کارهای بد است. (راغب ۱۴۱۶، ۷۶)

واژه الگو، در علوم جدید، از جمله روان‌شناسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه و در معانی نزدیک به هم، تعریف شده است؛ در حوزه تعلیم و تربیت، معنای اصطلاحی الگو به طرح، نمونه یا مدلی از شکل اشیاء یا گونه‌ای رفتار است که در مورد انسان، شخصیتی است که به‌جهت دارایی برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است، در روان‌شناسی اجتماعی، کسی است که کودکان رفتارش را تقلید می‌کنند و در علوم اجتماعی، الگوها شیوه‌هایی از زندگی نشأت گرفته از فرهنگ‌اند که افراد به هنگام عمل، با آن‌ها سر و کار دارند و اعمالشان را با آن تطبیق می‌دهند. (حسینی نسب ۱۳۷۵، ۶۳۲، دهخدا ۱۳۷۲، ۳، ۳۲۴۸) بخش عمده یادگیری از طریق الگو و روشی مؤثر در شکل‌دهی رفتار و اندیشه است؛

۱. كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَإِنَّ رَجُلًا سَيِّدٌ لِأَهْلِهِ وَالرَّأْسُ سَيِّدُهُ بَيْنَهُمَا.

الگوپذیری با مشاهده یا توصیف رفتار الگو و سپس اجرای آن صورت می‌گیرد. در روان‌شناسی، الگوگیری به‌عنوان فن رفتاردرمانی برای تغییر و تعدیل رفتار، ضمن یادگیری ادراکی است که با دادن فرصت و امکان به فرد در تقلید از دیگری به‌کار می‌رود. (شعاری نژاد ۱۳۰۴، ۳۲۷) این الگو می‌تواند پدر و مادر و یا الگوی نمادین باشد که در روان‌شناسی رشد به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن یک یا چند انسان به‌عنوان نمونه‌های الگویی عمل می‌کنند. (انجمن فرهنگ‌نویس روان‌شناسی آمریکا ۱۳۹۱، ۱، ۱۰۸۶)

۲) رابطه رسالت و امامت و سبک زندگی

نکته حائز اهمیت در معنای امامت و رسالت و تطبیق آن با مفهوم معهود سبک زندگی این است که سبک زندگی اسلامی و امامت، علی‌رغم تغایر مفهومی، رابطه تنگاتنگی در مصداق دارند. به دیگر سخن، تصویر سبک زندگی بر مبنای جهان‌بینی اسلامی، در قالب و قامت امام و رسول مشاهده می‌شود و معصومین علیهم‌السلام آینه تمام‌نمای سبک زندگی مطلوب الهی هستند؛ بنابراین تصویر دقیق معنای سبک زندگی اسلامی در مرحله اجرا، چیزی جز کارکرد اسوه‌ای و الگویی معصومین علیهم‌السلام نیست. می‌توان چنین ادعا کرد که سبک زندگی مورد اراده خداوند در راستای رسیدن به کمال، توسط معصومین علیهم‌السلام دریافت، ارائه و به تصویر کشیده شده است؛ بنابراین نظر به نیاز به سبک زندگی برآمده از مذهب و مکتب، جایگاه راهنما در این رابطه، به عینیت‌آوری و تحقق سبک زندگی اسلامی است که نقش سبک‌سازی و آفرینش سبک دارد و نکته مهم قابل تأمل در بعد رفتار، این است که سیره و منش معصومین علیهم‌السلام منبع و منشأ سبک زندگی است.

۳) نقش اسوه‌ای معصومین علیهم‌السلام در سبک زندگی خانواده

تقلید از خصوصیات طبیعت در تمامی جانداران در راستای هدایت‌گری است که در انسان اختیارمند با گرایش‌های در هم تنیده متضاد و دارای ابهام در مسیر کمال، ضرورت مؤکد دارد. اسلام در پاسخ به این نیاز طبیعی و به منظور کارآمدی بیشتر در مدیریت زندگی، با توجه به تأثیر مهم و سازنده الگو در تربیت، اسوه‌ها و برترین نمونه‌ها در انسانیت را معرفی نموده است؛ قرآن کریم اطاعت از این مصداق برجسته و اسوه را تکلیفی بر کمال‌جویان می‌داند و می‌فرماید: «ما آتاکم الرسول فخذوه» (حشر ۷)

الگو بر دو نوع است:

- الگوی مکتوب تعلیمی: بسان طرح عملیات جنگی، نقشه قالی، مدل خیاطی و... که خداوند شیوه مطلوب زندگی انسان را در قالب احکام و اخلاقیات از طریق معصوم به‌عنوان

ایدئولوژی ارائه فرموده است.

- الگوی عملی رفتار (اسوه): یا زنده و قابل رؤیت مستقیم و در مقابل دیدگان است؛ همچون رفتار و کردار رسول اکرم ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) که مورد رؤیت اصحاب بود و می‌توان آن را به الگوی زنده تعبیر کرد یا حکایت از منش آنان به نحو الگوی مکتوب حکایی یا سیره و سنت است که الگو به‌طور زنده حضور ندارد. (رک: مصباح یزدی ۱۳۷۹، ۲۱۲ و ۲۱۳). در الگوی نوع اخیر، معصوم، با اجرای شریعت در زندگی، خود تحت عنوان اسوه، مجری آن است. موضوع بحث این نوشتار نیز ناظر به جایگاه الگویی ایشان در انسانیت به نحو عملی است که تعبیر به اسوه می‌شود؛ امام و رسول، در این مقام، آینه تمام نمای الگوی سبک زندگی مطلوب الهی هستند: «أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب ۲۱؛ ممتحنه ۴؛ انعام ۹۰ و ممتحنه ۶) و به آن چه دستور می‌دهند قبل از دیگران، خود عاملند و مصداق کامل «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بَالْسِنَتِكُمْ» (مجلسی ۱۴۰۳، ۵، ۱۹۸) هستند، چنان‌که رسول خدا ﷺ در اوایل بعثت می‌فرمود:

همان‌گونه که من نماز می‌گذارم شما نیز نماز گذارید.^۵ (همان ۸۵، ۱۷۹)

یا سفارش حضرت علی (علیه السلام) که فرمود:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و همراه آنان باشید به هر سمتی که گام برمی‌دارند شما هم

به همان سمت گام بردارید. (شریف رضی ۱۴۱۴، ۹۷، ۱۴۳)

الگو آثار و فوایدی دارد که در سبک زندگی و خانواده انعکاس می‌یابد:

الف) الگو؛ پاسخ به نیاز طبیعی تقلید

اسلام با طرح رسالت و امامت معصومین (علیهم السلام) به‌طور خاص و توسط خوبان به‌طور عام،^۶ با عنوان اسوه به نیاز طبیعی و فطری تقلید در سبک زندگی و کمال‌خواهی انسان پاسخ داده است که نشان از کمال و ظرافت این مکتب است؛ زیرا وجود الگوی مفید و سازنده، مانع انحراف و نوعی پیشگیری تلقی می‌شود، به‌ویژه در بستر اصطکاک مسئولیت‌ها و منافع خانواده که نیاز به حضور الگو، امری محسوس است.

ب) نقش الگو در شاکله‌مندی خانواده و انسجام سبک زندگی

اعتقاد به امامت و رسالت به‌واسطه ویژگی عصمت؛ اعتقاد به وجود الگو و اسوه سالم

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ البته شما را به رسول خدا، اقتدایی نیکوست...»

۲. «قَدْ كَانَ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ آلِهِ مَعَهُ...؛ برای شما مؤمنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید...»

۳. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبَدَاهُمْ آفَاتِهِمْ...؛ آنان کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود، تو نیز از راه آنان پیروی نما.»

۴. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...؛ البته برای شما [مؤمنان] اقتداء به ابراهیم و یارانش نیکوست...»

۵. صلوا كما رأيتموني أصلي

کامل در مسیر زندگی، به مثابه ریل گذاری در مسیر سنگلاخ پریپیچ و خم ناآگاهی های زندگی یا کشتی امن و آرام زندگی متلاطم و طوفانی امواج هواهای نفسانی است؛ چنان که رسول اکرم ﷺ در حدیث سفینه فرمودند: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ...» (طوسی ۱۴۱۴، ۳۴۹، حاکم نیشابوری بی تا، ۲، ۳۴۳) بنابراین در سایه الگو هدف دار و هویت مند است که از آثار آن شاکله مندی، انسجام و همدلی بین افراد خانواده است و از جهت سلبی با رفع بلا تکلیفی و تحیر، اثری از تشتت مشاهده نخواهد شد و مانع بروز اختلافات احتمالی در خانواده می گردد.

ج) نقش الگو در بهره‌وری زمان و سرعت در رسیدن به مطلوب

انسان‌ها با ویژگی‌های خلقت جسمانی و روحانی، هر یک، راهی به سوی خدا می‌پیمایند که متناسب با ویژگی‌های انحصاری آنان است و مسیر رسیدن به کمال نیز در عین این که مقصد و مطلوب یکی است - از نظر سرعت، کیفیت، اطمینان، ارزش، میزان آزمون و خطا، با راهی که دیگران طی می‌کنند متفاوت است. به همین اعتبار می‌توان گفت که طریقی که راه رسیدن به کمال به عدد انفس است؛ اما علاوه بر اطمینان از سلامت راه و تضمین آن، مهم طی طریقی در نزدیک‌ترین و سالم‌ترین مسیر است که نیازمند راهنماست تا رهرو دست در دست او منزل به منزل، با استفاده از تجربیات، توصیه‌ها و آموخته‌ها، مسیر را به سرعت و سلامت طی کند. خداوند تبارک با توجه به شناختی که از توانایی‌ها، نارسایی‌ها، موانع و نیز اهمیت رسیدن به مقصد کمال دارد، زمینه را فراهم نموده تا در روشنایی نور امام طی کند که:

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی (حافظ)

طبیعی است که رهرو این راه، بی‌نیاز از آزمون و خطا، با هزینه کم‌تر، سرعت بیشتر و اطمینان بالاتر این راه را با هدایتی فراتر از راهنمایی صرف؛ و به نحو ایصال به مطلوب^۱ می‌پیماید. (طباطبایی ۱۴۱۷، ۱، ۲۷۲)

پیروی از امامت و رسالت به معنای هدایت در صراط مستقیم است: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا...» (انعام ۱۶۱) عمل به فرمایش امام صادق عليه السلام: «راه راست، امیرمؤمنان است.»^۲ (عروسی حویزی ۱۴۱۵، ج ۱، ۲۱) و «وَاللَّهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ» (همان، ح ۸۹) متمسک به این الگو از بزرگ‌ترین خطرات و موانع، شیطان و وسوسه‌های رنگارنگ، توهّمات، کج فهمی‌ها و... ایمن است و با مدیریت زمان و ارتقاء کیفیت اعمال و کردار، به دور از

۱. هدایتی متفاوت با هدایت به معنای ارائه طریقی؛ هدایتی قوی‌تر و با شأنی به مراتب بالاتر.

۲. الصراط المستقیم امیرالمؤمنین.

انحراف؛ افراط و تفریط سریع‌تر در مسیر کمال گام برداشته و با بهروری فرصت‌ها به کمال بیشتر رهنمون می‌گردد. این مهم در سبک زندگی خانوادگی به دلیل اختلاف امیال، تزامم آرا و تكثر فرصت‌ها با ضرورت بیشتر، با بهره‌وری زمان باعث تحلیل اختلافات، توسعه، موفقیت و برکت می‌شود.

۴) مدل تحقق یافته سبک زندگی خانوادگی در مؤلفه مدیریت خانواده و شاخصه‌های راهبردی

وجود آزادی عمل در سبک زندگی تجویزی اسلام به واسطه تخییر بین احکام خمس (مباح، واجب، مستحب، مکروه و حرام) و دشواری انتخاب به جهت مراتب ایمان، استعدادها، تنوع شرایط و اقتضاء زمان، وجه ضرورت رویکرد به الگوست و جنبه کاربردی این پژوهش منوط به تصویر سبک زندگی معصومین (علیهم‌السلام) و در گرو انعکاس کارکرد اسوه‌ای رسالت و امامت است. در مدیریت خانواده یا تدبیر منزل حداقل، سه رکن مشهود است؛ زن، مرد، منزل و امکانات آن که چگونگی تعامل این مثلث، پایه شکل‌گیری سبک زندگی در این مقوله را تعیین می‌بخشد. پر واضح است که نیازهای اساسی انسان در هر حالی پا برجاست؛ نیاز به کار و فعالیت، تغذیه، استراحت، عبادت، و... تشکیل خانواده و زندگی مشترک نه تنها مانع این نیازها نبوده؛ بلکه احتیاجات دیگری را نیز ضمیمه می‌کند و بر پیچیدگی مسئله می‌افزاید، از این‌رو در راستای اهداف تشکیل خانواده که مهم‌ترین آن، سکون و آرامش^۱ است، تدبیر و مدیریت خانواده، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از نگاه اسلام، انتخاب سبک زندگی و چگونگی تأمین نیازها بر عهده زوجین است، بجه استثنای برخی موارد در خانواده مثل تأمین مالی تحت عنوان نفقه که بر عهده مرد است- برای مثال زوجین می‌توانند هر دو شاغل بوده و فعالیت اجتماعی داشته باشند و در چگونگی استفاده از امکانات و عبادت و... مختارند؛ اما وقتی قرار زندگی مشترک زیر یک سقف دارند نیاز به تعامل و هماهنگی خواهد بود. از این‌رو توجه به الگوی کاربردی و سازنده در سبک مدیریت و تدبیر خانواده، نیازی است که با وجود کارکرد اسوه‌ای رسالت و امامت در اسلام و نقش سبک‌سازی معصومین (علیهم‌السلام) مدل اسوه‌ای معصومین (علیهم‌السلام) در مدیریت و تدبیر خانواده راهگشاست و با معیارها و شاخصه‌های درونی خود، امکان بهره‌برداری آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها میسر می‌شود؛ بنابراین در گام نخست، سبک زندگی اسوه‌ای معصومین (علیهم‌السلام) در مؤلفه مدیریت و تدبیر منزل ارائه و در گام دوم، با تحلیل محتوا و تعیین شاخصه، نتیجه آن به دست می‌آید.

۱. آیه بیست و یکم سوره روم: «و مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» به آرامش و سکون؛ به‌عنوان هدف اصلی خانواده توجه شده است؛ چراکه انسان با تأمین نیاز عاطفی و جنسی به‌عنوان غریزه انسانی و با تولید نسل به منظور میل به بقا به‌عنوان نیاز و میل فطری به آرامش و سکون می‌رسد. به‌همین جهت آرامش و سکون به‌عنوان هدف پایه تشکیل خانواده مورد توجه است.

الف) مؤلفه‌های مدیریت در سیره

یک) تقسیم کار

بر اساس سیره به جهت قیومیت مرد در خانواده، سرپرستی و مدیریت کلان اداره خانواده بر عهده مرد است (نساء ۳۴) و این امر عقلایی، به جهت توان مرد در مسائل اجتماعی، شم اقتصادی و تلاش او در تحصیل مال، در حسن اجرای مسئولیت تأمین هزینه زندگی است. زن نیز به دلیل اهمیت نقش عاطفی و احساسی، جایگاه و کارایی در امور داخل خانواده به ویژه تربیت و مسائل معنوی، از امور بیرون خانه معاف است تا تمامی تلاش و توجه خود را معطوف خانه و مدیریت داخلی خانه کند و محیط خانواده را از نظر روانی امن و آرام نگه دارد؛ مسئله‌ای که در خانه حضرت امیر علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام نیز جریان دارد. ایشان با درخواست از پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم کار خانه، امور بیرون از خانه به حضرت علی علیه السلام و امور داخلی به حضرت زهرا علیها السلام واگذار شد. جالب توجه، رضایت قلبی حضرت زهرا علیها السلام از این تقسیم کار است.^۱ حضرت علی علیه السلام هیزم و آب می آورد، جارو می کرد و فاطمه علیها السلام آسیاب می کرد، خمیر درست می کرد و نان می پخت. (مجلسی ۱۳۷۹، ۵۶۳) در تحلیل این رفتار اسوه‌ای، چند نکته قابل تأمل است:

- رهبری نه ریاست و خودرأیی؛ زیرا اگر چنین بود حضرت امیر علیه السلام خود تعیین تکلیف می کرد.

- توجه به نظر و رأی همسر که با هم فکری، تصمیم بر مشورت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گیرند.

- بهره‌گیری از مشورت با خبره در مدیریت و تدبیر منزل، بنابراین در این حرکت به ظاهر ساده، مهم ترین ارکان علمی مدیریت (برنامه ریزی، مشورت، رهبری و هدایت، سازماندهی و حتی انگیزش) به چشم می خورد با این توضیح که حضرت علی علیه السلام به عنوان مدیر خانواده به دور از خودرأیی، تدبیر را با هم فکری آغاز و با مشورت، تصمیم سازی می نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سازماندهی را با تقسیم کار، به سرانجام می رساند که در چگونگی سازماندهی و لحاظ استعداد، شرایط و علاقه طرفین، انگیزش نیز نهفته است.

انگیزش در مدیریت به اقداماتی گفته می شود که باعث ترغیب و تشویق به عمل می شود که در این مقوله با اظهار خوشنودی و رضایت حضرت زهرا علیها السلام از این تقسیم کار که متناسب با روحیه حیای حضرت بود نمایان شد. واقع بینی در تعامل زوجین و هم افزایی با توجه به نوع سازماندهی که علی رغم مجاز بودن فعالیت های اجتماعی برای زن، به استعداد طرفین در جهت

۱. «... فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَغَامُ مَا دَاخِلِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ...؛ کسی جز خدا نمی داند که چقدر [از این تقسیم کار] مسرورم!» (حمیری ۱۴۱۳، ۵۲)

آرامش و تعالی خانواده توجه می‌شود از شاخصه‌های این عملکرد است. با توجه به اهمیت آرامش و سکون به‌عنوان هدف پایه تشکیل خانواده در اسلام، لازم است تا هر عامل خدشه‌دار کننده این هدف، برطرف گردد. از این‌رو با توجه به روحیه لطیف زن و جایگاه ویژه زن به‌عنوان کانون و محور آرامش خانواده،^۱ بدیهی است که امور بیرون از خانه از حیث مواجهه با افراد با خلیقات مختلف؛ اختلافات احتمالی در مسائل شغلی و... در روحیه او اثرگذارده و به خانواده به‌عنوان کانون آرامش سرایت نماید.

از طرفی مسئولیت درون خانه و نقش نظم و پاکیزه‌گی خانه، اثر به‌سزایی در رفع خستگی اعضای خانواده دارد که نیازمند صرف وقت و انرژی است. مناسب‌ترین تدبیر در این راستا، سپردن این مشاغل به زن است که هماهنگ با تکوین و روحیه زیبایی دوستی، لطافت و حیای اوست.

به‌همین جهت، با توجه به روحیات مرد که در برخی موارد با تصمیم‌گیری‌های فارغ از تدبیر و سپردن مسئولیت‌هایی همچون نگهداری فرزند به مرد، چه بسا موجب ایجاد بحران در خانه و خانواده شود؛ در این مقوله، تهیه نفقه از حلال و پاسداری از ناموس و کیان خانواده و مدیریت بیرونی منزل، وظیفه مرد و در مقابل، حفظ و حراست اموال؛ مصرف به جا و به دور از اسراف و حیف و میل، در کنار حفظ آرامش و ایجاد فضای عاطفی و مدیریت داخلی منزل، وظیفه زن است.

دو) تعاون و همکاری

کانون گرم خانواده، نیازمند صفا، همکاری و همدلی اعضای خانواده است، حضرت علی علیه السلام علاوه بر امور بیرون خانه، در خانه نیز به حضرت زهرا علیها السلام در پاک کردن عدس و سبزی، جارو، آسیاب و دستاس کردن، نگهداری فرزندان و... کمک می‌نمود. (کلینی ۱۴۰۷، ۵، ۸۶) گاه رسول خدا با مشاهده این تعاون و همکاری، خود نیز به یاری ایشان می‌پرداختند. (مجلسی ۱۴۰۳، ۴۳، ۵۰ و ۵۱؛ ابن شهر آشوب ۱۳۷۹، ۳، ۳۴۱) به‌ویژه که نیاز شدید فرزند به مادر به‌خصوص در دوران نوزادی و کودکی، که وقت و توان زیادی از مادران را صرف می‌کند، لازم است پدر و سایر افراد خانواده با درک موقعیت مادر او را یاری کنند. در این سبک و سیره خانواده در وقت نیاز و حاجت، همه با هم و در خوشی و ناخوشی کنار هم‌اند (طبرسی ۱۳۷۰، ۳۳۴) که نمونه آن داستان نذر خانواده‌گی حضرت زهرا علیها السلام به سه روز روزه جهت شفای حسین علیه السلام است. (دهر ۹-۷)

این سبک تعامل، نشان‌دهنده رکن دیگر مدیریت، هدایت و رهبری خانواده به‌دور

۱. بر اساس آیه بیست و یکم سوره روم که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید» در این منطق قرآنی با توجه به عبارت «لتسكنوا اليها» به زن به‌عنوان محور و کانون آرامش توجه شده است.

از خودخواهی و ریاست‌طلبی و نگاه کلفت‌گونه به همسر است. از شاخصه‌های عمده این سیره، مدیریت و تعامل اخلاق‌مدار افراد خانواده است که مایه صمیمیت و همدلی در خانواده و می‌توان گفت از مؤثرترین عامل انگیزش در مدیریت است و رکن رکن تحکیم خانواده و پیشگیری کننده مؤثر از اختلافات و نیز وجود حس مسئولیت و از ارکان برنامه‌ریزی در مدیریت خانه است تا با هم‌گرایی و هم‌پوشانی اعضای خانواده، انسجام را در خانه ساری و جاری نموده، جلوه‌ای از محبت و دیگرخواهی را به نمایش گذارند و با رعایت شرایط زن و مرد، مانع هرگونه اجحاف و ظلم به اعضای خانواده شود.

سه) پوشش، مسکن و چیدمان

ضلع سوم مدیریت، تدبیر منزل و امکانات و نحوه برخورداری و استفاده از آن است که نقش تعیین‌کننده در سعادت و آسایش خانواده دارد. مسکن به‌عنوان عمده‌ترین مسئله در این بخش در سیره معصومین علیهم‌السلام مورد توجه بوده است. در این سبک زندگی با توصیه به مدنظر قرار دادن همسایه قبل از خرید خانه، همراه با رعایت اصل اعتدال در توجه به مسکن، وسعت خانه مایه سعادت مؤمن و تنگی آن مایه شقاوت او بوده است و همواره برای خود و دیگران دعا می‌کردند که خداوند به ایشان خانه وسیع روزی نماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي» (پاینده ۱۳۸۲، ۲۴۸) سقف خانه‌هایشان نه آنچنان بلند و بالاتر از هشت ذراع، نه آن که در ساخت خانه‌هایشان از آن کم گذارند. (رک: مجلسی ۱۳۶۵، ۹۶-۹۵) از وجود تمثال و تصاویر جانداران پرهیز (رک: برقی ۱۳۷۱، ۲، ۶۱۱-۶۰۸) و در طراحی ساختمان به مسائل بهداشتی، دینی (قبله)، تربیتی، امنیتی و ... همواره توجه شده است. (مجلسی ۱۴۰۳، ۳، ۷۶)

حضرت علی علیه‌السلام خانه حضرت زهرا علیها‌السلام را در کنار مسجد مهیا کرد با پخش کردن ماسه نرم در اتاق، نصب چوب بین دو دیوار و رخت‌آویز افقی که روی آن لباس پهن می‌کردند، پهن کردن زیرانداز و قرار دادن یک پشتی در اتاق. (مجلسی ۱۳۷۹، ۴۷۸) محلی ساده، امن و بی‌آلایش را به‌عنوان نمازخانه در نظر گرفت. در این خانه از پرده‌های مزین به نقاشی و تصاویر، مجسمه، تمثال، نقش و نگارها پرهیز و بر نظافت و بهداشت از نجاست، گرد و غبار، تار عنکبوت تأکید شده است. با نگره داشتن حیوانات اهلی، از حضور سگ در این خانه خبری نبود. (مجلسی ۱۳۶۵، ۱۰۲؛ برقی ۱۳۷۱، ۲، ۶۱۲-۶۲۴)

... با پرهیز از لباس شهرت، متفاخر و سیاه، لباس تمیز، متناسب با هیکل، به اندازه نیاز، در رنگ‌های شاد، روشن و ترجیحاً سفید، هر لباس با عنوان خاص و در جای خاص خود کاربرد داشت، لباس کار، لباس میهمانی، لباس درون خانه و لباس بیرون خانه. (ابن بابویه ۱۴۱۳، ۱، ۲۵۱؛ طبرسی ۱۳۷۰، ۹۸-۱۱۶)

از نقاط برجسته حیات کوتاه‌مدت فاطمه زهرا علیها السلام زهد و ساده‌زیستی بود که به تبعیت از پدر در بی‌زاری از تجملات دنیوی، شکل گرفت. (حلی ۱۴۰۶، ۶) حاصل انتخابی آگاهانه که از آغاز ورود به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام، با بخشش لباس عروسی جلوه‌گری کرد؛ حتی با در اختیار گرفتن فدک حاصل خیز، نیز این سادگی و بی‌پیرایگی همچنان برقرار بود. از شاخصه‌های مدیریت در این بخش، اعتدال در بهره‌برداری از امکانات زندگی و ساده‌زیستی است که نمود آن در پرهیز از مصرف‌گرایی، اسراف، هدر رفت امکانات، دوری از زخارف دنیا، تجمل و اشرافی‌گری، در عین توجه به نیازها نمود دارد که با توجه به میل غریزی انسانی به لذت‌های دنیوی، دل‌کندن از آن‌ها نیازمند قدرت اراده و استقامت فوق‌العاده‌ای است که به‌صورت هدف‌مند در سبک مدیریت امکانات معصومین علیهم السلام نمایان است.

چهار) مدیریت چالش‌های خانواده

به‌دلیل اهمیت بنیان خانواده و اثر اسوه‌ای معصومین علیهم السلام در این زمینه و تناسب بحث الگو با مقتضیات زمان، بنا بر تقدیر الهی یا به منظور حفظ شریعت، در مسیر زندگی اسوه‌های بزرگی چون لوط نبی علیه السلام، آسیه همسر فرعون، حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخی امامان، همسرانی ناسازگار قرار گیرد تا با استمداد از سبک زندگی معصومان، در ناسازگاری‌ها، راه روشن بوده و با تأکید بر منفوریت طلاق، فضیلت و خوش‌عاقبتی، از آن صابران باشد. در این موقعیت‌ها اهل‌بیت سختی‌ها را نردبان ترقی و صبر در آن را ستوده‌ترین و برترین خوبی‌ها و رسیدن به رضای الهی می‌دانند که مظهر افتخار صبر در مقابل آزار دیگران به‌عنوان رأس ایمان، از ثمرات و زینت آن است. (رک: خوانساری ۱۳۶۶، ۴، ۲۹۵، ۵۰، ۱۰۹ و ۳، ۶۶ و ۲، ۴۸۸) از عمده شاخصه‌های این بخش، گذشت و صبر به‌عنوان محور انسجام و تعالی خانواده و تلاش برای اصلاح همراه با تغافل و فرصت‌سازی است.

نکته قابل توجه درباره مدیریت معصومان علیهم السلام در مواقع اختلاف و چالش خانواده، مسئله قابل تأملی است که می‌توان با بیان چند نکته، لزوم ورود مفصل به بحث را منتفی می‌سازد: - با توجه به سیره خانوادگی حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان زوج معصوم، تصور هرگونه اختلاف و ناسازگاری از اساس منتفی است؛ چراکه هر دو، واجد عصمت و در نتیجه توافق و تفاهم کامل هستند و وجود اختلاف چالش‌زا، سالبه به انتفاع موضوع است و آنچه در برخی روایات به اختلاف ایشان اشاره شده است، به‌لحاظ مبنایی مردود است. (نک: ابن بابویه ۱۳۸۵، ۱، ۱۵۵-۱۵۶)

- در رابطه با سایر معصومان علیهم السلام در تعامل با همسران غیرمعصوم که گاهی در ناسازگاری دست به قتل همسران معصوم خود برده‌اند، با توجه به شخصیت قرآنی معصومان به‌عنوان

عاملین حقیقی قرآن به عنوان «... وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَّهُنَّ» (بقره ۱۸۷) آن چه مشهود است رازداری و عدم افشای اختلاف و عیوب همسران همراه با تغافل، صبر و اصلاح، روش و اصولی که در سبک مدیریت بحران در زندگی و تدبیر خانوادگی معصومین (علیهم السلام) رعایت می شد. از این رو، احادیث معتبر سیره در این مقوله بسیار معدود است و چنانچه مواردی از ناسازگاری در رابطه با زندگی خانوادگی ایشان سخن به میان آمده است از سوی همسران یا به طریقی غیر از معصومین (علیهم السلام) و به نحو اشاره و در بیان توصیف نرمش کریمانه معصومین (علیهم السلام) در تنش ها است. (نک: مفید ۱۴۱۳، ۲۱۷ و فتال نیشابوری ۱۳۷۵، ۲، ۲۶۹)

دو) تدبیر پیش گیرانه

مدیریت خانواده یکی از مؤلفه هایی تشکیل دهنده سبک زندگی اسوه ای معصومان است و دیگر مؤلفه ها شامل: تشکیل خانواده، تربیت فرزند، روابط خانوادگی و... است که پرداختن به آنها، موضوع مسئله این رساله و در گنجایش این مقاله نیست؛ اما توجه به برخی ابعاد آن، جنبه پیش گیری در تدبیر و مدیریت خانواده دارد که اشاره به آن به جا و مایه کمال این بحث خواهد بود؛ به عنوان نمونه:

یک) هم کفو بودن و همسانی

مسئله کفویت، همسانی و همتایی زوجین در تشکیل خانواده امری عقلانی است؛ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام) در عمل آن را ترسیم نموده اند و با ردّ خواستگاران، منتظر مراجعه کفو ایشان بودند (قمی ۱۴۰۴، ۲، ۳۳۶) که با خواستگاری حضرت علی (علیه السلام) و تحقق این همتایی، مهم ترین ملاک کفویت را افضلیت در دین، اخلاق و فضیلت عنوان نمودند: «... فَلَقَدْ زَوْجْتُكَ خَيْرَ أُمَّتِي؟ أَقَدَّمْتُمْ سَلْمًا وَ أَكْثَرْتُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمْتُمْ جَلْمًا؛ و...» (اربلی ۱۳۸۱، ۱، ۳۶۲ و ص ۳۷۰ و بحرانی ۱۴۱۳، ۱۱، ۴۸۵) اهمیت این مقوله به قدری است که علی رغم رسم عرف و طبیعت مبنی بر خواستگاری از ناحیه مرد، چنانچه جوانی، دارای شرایط مناسب بود، خانواده زن می تواند پیشگام ازدواج شود، نمونه آن پیشنهاد حضرت شعیب (علیه السلام) به حضرت موسی (علیه السلام) است که با شناخت حضرت موسی (علیه السلام) به امانت داری و قوت جسمانی و ارزیابی شخصیت اخلاقی و انسانی او، به حضرت موسی (علیه السلام) ازدواج با دختران خود را پیشنهاد داد. (قصص ۲۶ و ۲۷) این داستان در واقع، بیان و تأکید معیار همسر مناسب است؛ تأکید این مسئله به نوعی آینده نگری در برنامه ریزی به منظور پیش گیری از اختلافات و ناهنجاری ها در خانواده است که از اصول و ارکان مدیریت است. شاخصه این عملکرد واقع بینی و دوراندیشی؛ نه انتخاب احساسی است که لازمه تدبیر منزل است.

دو) تربیت فرزند

تربیت فرزند نیز از مؤلفه‌های مستقل و مفصل در سبک اسوه‌ای خانوادگی معصومان علیهم‌السلام است که واجد تمامی ارکان مدیریت؛ چون برنامه‌ریزی حتی قبل از تولد و در سنین مختلف، هدایت و انگیزش با روش‌های تربیتی مختلف، نظارت و کنترل و... است که در سیره و سنت معصومان موج می‌زند و خود مقاله، بلکه مقاله‌های دیگر می‌طلبند که جملگی نشان از اهتمام به مدیریت و تدبیر منزل در سبک زندگی معصومان است.

جمع‌بندی

مواردی که در این مقوله ذکر شد، فقط احادیث و روایات تاریخی سیره عملی معصومان بود که با رویکرد اسوه‌ای و نه تعلیمی گردآوری شده است. در این بُعد، بیشترین احادیث موجود در مؤلفه خانواده درباره زندگی خانوادگی حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام با ویژگی‌های ذیل است:

الف. هر دو زوج معصومانند و به‌همراه عصمت و نقش‌گویی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حسنین علیه‌السلام به‌عنوان پدر و فرزندان، بسته کاملی از یک خانواده اسلامی را به نمایش گزارده‌اند.

ب. نقش اسوه‌ای و یگانه حضرت زهرا علیها‌السلام در بین زنان که حتی برای مردان نیز به تصریح امام عصر علیه‌السلام در جای خود الگوی نیکوست. (طوسی ۱۴۱۱، ۲۸۶)

ج. برای معصومین علیهم‌السلام دیگر به‌نوعی ملاک و معیار بوده که تقید به آن داشته و با تعبیری چون کان رسول‌الله، من اخلاقه، من سنته و کان امیرالمومنین... استناد می‌نمودند. این الگوی عملی در زندگی خانوادگی و مدیریت آن سبک مطلوبی است که در هر عصر و محیطی قابلیت تحقق دارد و پیشرفت تکنولوژی و امکانات، منافاتی با آن ندارد، جز دل‌بستگی به تمایلات مادی و لذات دنیوی، و رضایت محسوس^۱ مقیدان به این سبک، به‌دلیل هماهنگی آن با طبیعت انسانی، فطرت الهی و در راستای سعادت مطلوب انسانی است و علم تجربی روز نیز مؤید آن است که بحث مفصل آن مجال دیگری می‌طلبند.

از تحلیل محتوای مجموع آن‌چه از سبک اسوه‌ای ذکر شد، شاخصه‌ای کلان بر اساس چگونگی عمل و تدبیر خانوادگی معصومین علیهم‌السلام استنباط می‌شود و آن جهت‌گیری عمل، به هدف نهایت تعالی و بهره‌گیری از عمل و رفتار مطابق جهان‌بینی الهی است که رسیدن به قرب الهی و پاداش اخروی، از ارکان آن است که تعبیر تعالی حداکثری شایسته آن است با این توضیح که عموم معصومین علیهم‌السلام به‌گونه‌ای عمل را انتخاب می‌نمایند که بیشترین اثر در رضایت الهی و بالاترین پاداش اخروی را در پی داشته باشد که این شاخصه از ترجیحات آنان هویداست و

۱. اثبات این ادعا در پژوهش‌های میدانی متعدد قابل دستیابی یا اثبات مجدد است.

نمونه‌هایی نظیر بخشش غذا به یتیم، اسیر و فقیر علی‌رغم نیاز و گرسنگی خود یا بخشش پیراهن عروسی به فقیر یا تقسیم کار با خادم خود و... نشان از ترجیح پاداش اخروی به متاع دنیوی، ساده‌زیستی به تجمل‌گرایی، دیگرخواهی به خودخواهی و... است که نیاز به مسئولیت‌پذیری سخت‌کوشی و ایثار فوق‌العاده دارد و پیام اساسی سبک اسوای آنان استقامت عملی است؛ چراکه در مقابل کشش طبیعت دنیوی انسان و در محیط دنیازده، صبر و استقامت لازم است و در راستای تعالی حداکثری، بالاترین اثر در تعالی همه‌جانبه مدنظر است.

نتیجه

- نقش اسوای رسالت و امامت علاوه بر دلالت بر توجه اسلام به سبک زندگی، نقش آفرینش سبک زندگی را ایفا می‌کند؛ بنابراین کاربردی‌ترین اعتقاد اساسی در تحقق عملی سبک زندگی اسلامی است و تبلور سبک‌سازی در کارکرد اسوای معصومین (علیهم‌السلام) نهفته است که اثر آن، هویت‌بخشی سبک زندگی، بهره‌وری زمان، پیشگیری و... است که نتیجه آن، رفع تشتت در خانواده و توسعه موفقیت در خانواده است.

- رویکرد مدیریت خانواده و تدبیر منزل در سبک زندگی اسوای معصومین (علیهم‌السلام) بیان‌گر لحاظ اصول علم مدیریت؛ از جمله: برنامه‌ریزی، هدایت و رهبری، سازماندهی، انگیزش نظارت، مشورت و... است که سازماندهی متناسب با استعدادها باعث هم‌افزایی، رهبری اخلاق‌مدار و همراه تعاون مایه صمیمیت و نفی فردگرایی و ریاست‌طلبی، بهره‌برداری هدفمند از امکانات موجب اعتدال و نفی تجمل که جملگی نشان از مبنای ارزش‌مداری مدیریت خانواده به هدف سکونت و آرامش است.

- سبک زندگی تجویزی اسلام به‌طورکلی و در خانواده دارای مراتبی است که سبک زندگی معصومین (علیهم‌السلام) مطلوب‌ترین و باکیفیت‌ترین آن را در معرض نمایش قرار می‌دهند و مدل تحقق‌یافته سبک زندگی خانوادگی معصومین (علیهم‌السلام)، در همه ابعاد چون تدبیر منزل، نمایان‌گر شاخصه راهبردی تعالی حداکثری است که با ترجیح مسئولیت‌پذیری بر سهل‌انگاری، پاداش اخروی بر متاع دنیوی، ساده‌زیستی بر تجمل‌گرایی، سخت‌کوشی بر عافیت‌طلبی، دیگردوستی بر خودخواهی تحقق یافته و با استقامت عملی اعجاب‌انگیزی در نفی تمایلات مادی بوده است.

- نفی فردگرایی، ریاست‌طلبی و رهبری اخلاق‌مدار در سبک زندگی معصومین (علیهم‌السلام) محسوس است که جلوه آن در تأکید عملی همه‌جانبه به تحکیم خانواده است که تحقق آن نیز در گرو پای‌بندی به سبک زندگی معصومین (علیهم‌السلام) است و عدم توجه به آن، شنا برخلاف مسیر آب و منجر به مشکلات و گرفتاری‌های جسمی و روانی جبران‌ناپذیر می‌شود.

- نظر به مجموع مباحث، فرد یا خانواده‌ای که در زبان ادعای پیروی از معصومین علیهم‌السلام دارند و در کردار هماهنگ نیستند یا دارای جهل مرکب یا متناسب با میزان ناهماهنگی، دچار درجه‌ای از نفاق عملی‌اند که نیاز به کمک فکری داشته و رفع آن مستلزم مسئولیت‌شناسی مسئولان مربوطه و اهل فرهنگ و تبلیغ است!

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. [بی‌تا] من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. _____ . ۱۳۸۵ ش. علل الشرائع. قم: داورى.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. ۱۳۷۹ ق. مناقب آل ابی طالب. قم: علامه.
۴. اسکافی. المعیار و الموازنة. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. ۱۳۷۴. تهران: نشر نی.
۵. انجمن روان‌شناسی امریکا. فرهنگ توصیفی روان‌شناسی. ترجمه گروه مترجمین. ۱۳۹۱. تهران: ارس.
۶. بحرانی، ابن میثم. ۱۳۸۴. النجاة فی القيامة فی تحقق امر الامامة. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۷. بحرانی، ابن میثم. ۱۴۰۶ ق. قواعد المرام. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ ق. المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامية.
۹. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲ ش. نهج الفصاحة. تهران: دنیای دانش.
۱۰. تقوی دامغانی، سید رضا. ۱۳۶۸ ش. نگرشی بر مدیریت اسلامی. تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. چاوشیان، حسن و یوسف ابادری. ۱۳۸۱. از طبقه اجتماعی تاسیک زندگی. مجله نامه علوم اجتماعی.
۱۲. حاکم نیشابوری، حافظ ابی‌عبدالله. بی‌تا. المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفة.
۱۳. حسینی نسب، سید داود و علی اصغر اقدم. ۱۳۷۵. فرهنگ واژه‌ها. تبریز: احرار.
۱۴. حلی، ابن فهد احمد بن محمد. ۱۴۰۶ ق. عدة الداعی و نجاح الساعی. دارالکتب الإسلامية.
۱۵. حمیری، عبد الله بن جعفر. ۱۴۱۳ ق. قرب الإسناد. قم: آل البيت علیهم‌السلام.
۱۶. خوشنویس، ناهید. ۱۳۸۹. رسانه و سبک زندگی. ماهنامه روابط عمومی ایران.
۱۷. دهخدا، علی اکبر و سایرین. ۱۳۷۲. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. راغب اصفهانی. ۱۴۱۶ ق. المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.
۱۹. شرتونی، سعید. ۱۴۰۳ ق. اقرب الموارد فصیح العربیة و الشوارد. قم: مکتبه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة. ۱۴۱۴ ق. صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۱. شریفی، احمد حسین و همکاران. ۱۳۹۱. همیشه بهار. تهران: دفتر نشر معارف.
۲۲. شعاری نژاد، علی اکبر. ۱۳۰۴. فرهنگ توصیفی علوم رفتاری - شناختی. تهران: اطلاعات.
۲۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. ۱۴۱۵ ق. تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۲۴. عمید، حسن. ۱۳۶۴. فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۲۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. ۱۳۷۵. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: رضی.

۲۶. فعالی، محمدتقی. ۱۳۹۵. سبک زندگی نبوی. ویژه‌نامه همایش سبک زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام): قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام).
۲۷. کاویان، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ق. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. طبرسی، حسن بن فضل. ۱۳۷۰. مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۴ق. الأمالی. قم: دارالثقافة.
۳۲. —————. ۱۴۱۱ق. الغيبة. قم: دارالمعارف الإسلامية.
۳۳. ماوردی، علی بن محمد. ۱۴۲۲ق. الاحکام السلطانية. بغداد: المجمع العلمی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. —————. ۱۴۰۶ق. روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۹. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. مفید، محمد بن نعمان. ۱۴۱۴ق. سلسله مؤلفات الشیخ المفید. بیروت: دار المفید.
۳۸. —————. ۱۴۱۳ق. الإفصاح فی الإمامة. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۰. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۹۳. دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۴۱. —————. ۱۳۸۷. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران ۱(۱): ۱۹۹-۲۳۰.

42. Wehmeier, Sally. Oxford advanced learners Dictionary of current English. 1987. Oxford university press.